

## بررسی حسادت از نظر فقه و جرم‌شناسی

### فرّخ هدایی، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

یکی از فراورده‌های غرایز نفسانی که به صورت میلی منحرف نمودار و وجدان خیراندیش و آگاه را به زنجیر کشیده و انسان را از رسیدن به آمال حقیقی زندگی باز می‌دارد، حسد یا بدخواهی است. بدخواه نمی‌تواند کسی را در آغوش آسایش مشاهده کند و همواره از دیدن نعمت دیگران در خود احساس فشار و سنگینی می‌نماید. روایتی از امام صادق (ع) در مستدرک الوسائل (جلد دوم) وجود دارد که: «حسد از کوری دل و انکار نعمت‌های خدا سرچشمه گرفته و این دو بال‌های کفرند. فرزند آدم از حسد در حسرت ابدی فرو رفت و به هلاکتی افتاد که هرگز راه نجات نخواهد یافت.»

نقص و نارسایی تربیت در محیط خانواده نیز ممکن است یکی از عوامل پیدایش حسد باشد؛ والدینی که بدون توجه، یکی از فرزندان را بیش از دیگری مورد نوازش قرار می‌دهند و دیگری را از عواطف خود محروم می‌سازند، سبب می‌شوند که در دل او عقده‌ای به وجود آمده و روح او را عاصی سازند. حسد بعضی اطفال از همین ره‌گذر سرچشمه می‌گیرد و در بزرگی باعث بدبختی و سیه‌روزی آن‌ها خواهد شد. هم‌چنین تبعیضات و بی‌انصافی در اجتماع نیز ممکن است منجر به حسد شود. این تبعیضات باعث می‌شود که روح مردم یک نوع حالت طغیان و سرکشی به خود گرفته و آتش نامرئی حسد جان و دل‌های آن‌ها را در میان بگیرد.

حسود نعمت و کامیابی افراد را همیشه نشانه و هدف گرفته و با عناوین و دسیسه‌های گوناگون کوشاست آن موهبت را از کف آنان ببرد و بدون اندک توجه و تعمقی دست‌خوش احساس پلید خود واقع می‌گردد.

حسادت صفت مذموم و ناپسندی است که حکایت از نوعی پریشانی روحی و روانی در انسان دارد و قادر است سایر خصوصیات مثبت و ارزنده را تحت‌الشعاع قرار داده، آن‌ها را ضعیف یا نابود سازد؛ بنابراین دیری نخواهد پایید که فرد در نزد خانواده و آشنایان و دوستان به موجودی منفور تبدیل خواهد شد.

هم‌چنین وجود احساسات زیباپرستی حسادت، چشم‌هم‌چشمی و، لالابالی‌گری از علل مهم طلاق است! بدخواه نه تنها از گردونه‌ی انسانیت خارج است، بلکه به پایین‌تر از دایره‌ی حیوانات نیز تنزل و سقوط می‌نماید؛ زیرا کسی که از محنت دیگران بی‌غم است، مصداق انسان واقعی نیست. بدخواه با اعمال خصلت مذموم خود پلیدی خویش را عریان و آشکارا نشان داده، امواج نفرت و انزجار عمومی را به جانب خود می‌کشانند. بدخواهی به حقیقت هم‌چون طوفانی سهمگین درخت تنومند خرد و فضائل را از ریشه قطع می‌کند، به طوری که انسان دیگر در ارتکاب جرم هیچ‌گونه رادع اخلاقی و وجدانی ندارد.

حسادت خصلت مشترک تمام حیوانات است و حتی در آرام‌ترین مردم نیز وجود دارد؛ گاهی مانند یک حریق شعله‌ور می‌شود و گاهی چون آتش در زیر خاکستر نهفته است. ممکن است در اثر عشق تحریک شود ولی این تحریک در اثر غریزه‌ی تملک حتمی است.

در نزد کودکان حسادت شدید است. «پرز»، کودکی را دید که حسود بود نه فقط نسبت به هرکسی که به دایه‌اش نزدیک می‌شد، حسادت می‌ورزید بلکه همین واکنش را در ازای پستانک خود نیز ابزار می‌داشت.

«فلون» گفته است: «حسادت در بین کودکان به قدری شدید است که نمی‌توان تصور نمود بعضی از کودکان در اثر حسادت روز به روز تحلیل می‌رفتند و دچار بی‌حالی نهانی می‌شدند. علت حسادت آن‌ها این بود که کودکان دیگر بیشتر از آن‌ها مورد محبت و نوازش بودند.»

«شو پهناور» آلمانی می‌گوید: «حسد و بدخواهی از خطرناک‌ترین عواطف انسان است، بنابراین باید آن را به منزله‌ی موحش‌ترین دشمن سعادت تلقی نمود و در دفع و سرکوبیش همت گماشت. اکثر جنایاتی که امروز در زوایای اجتماع رخ می‌دهد و با از حسد ریشه گرفته که با بررسی و توجه به عمق حوادث حقیقت آشکار می‌گردد.»

خداوند در سوره‌ی نساء آیه ۳۲ می‌فرماید: «ولاتتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض»، آرزو نکنید برتری‌هایی را که خدا به بعضی از شما بر دیگری داده است. هر گاه خدا نعمتی را به کسی ارزانی داشت هیچ فردی به خاطر غریزه‌ی منفعت طلبی و تسکین حس بدخواهی خویش حق تجاوز غاصبانه و سلب آن نعمت را از او ندارد. بلکه لازم است برای نیل به آرزو روش صحیح و خردمندانه را اتخاذ کرده و همان‌طوری که آفریدگار راهنمایی فرموده کامیابی را باید همواره در شعاع تلاش و فعالیت جست‌جو نمود و از فضل خداوند خواست تا مشکلات و دشواری‌های راه را آسان و انسان را به هدف مطلوب خود برساند.

حدیثی است در کتاب جامع الاخبار، فصل الحسد که شیخ صدوق نقل می‌کند: «آدم حسود زوال نعمت دیگران را آرزومند است گر چه آن را برای خویش نیز طلب نباشد؛ پس حسد مذموم است.» به عبارتی حسد عبارت است از تمنای زوال نعمت از برادران مسلم خود از نعمت‌هایی که صلاح او باشد ولی غبطه، پسندیده و ممدوح است و غبطه، همان است که انسان نعمتی را که دیگران دارند برای خودش نیز آرزومند باشد و زوال آن را از دیگران امیدوار نباشد.

امیرالمومنین علی (ع) می‌فرمایند: «الحسود لایسود» یعنی کسی که حسد می‌ورزد، همواره گرفتار غصه و الم می‌شود. در حدیثی دیگر از وجود مقدس ایشان منقول است که «الحسود مغموم»؛ یعنی حسد آدمی را به غم و اندوه گرفتار می‌کند.

در باب نکوهش از حسد روایات زیادی وارد شده است؛ از جمله امام علی علیه السلام که می‌فرماید: حرس، تکبر و حسد، انگیزه‌های روی آوردن به گناه و عصیانند و از نشانه‌های حسود، گرفتگی و عدم انبساط، غیبت و شماتت، رشک بر صاحبان نعمت، رشک بردن بر پاکان، دشمنی و عداوت با صاحب نعمت، کوتاه آمدن از تعریف و تمجید دیگران و ناراحتی در هنگام خوشی دیگران است.

از زیان‌های حسد می‌توان به روایتی از امام عالی (ع) توجه نمود که می‌فرماید: «جای شگفت است که حسودان از سلامتی تن خود غفلت دارند». «فرانک هورد» می‌گوید: «حسادت اندوه احساسات روحی

ناموافق را از مغزتان برانید، این‌ها شیطان‌های روحی هستند که فقط به برهم زدن نظم دماغی اکتفا نمی‌کنند بلکه مایه‌ی رشد سلول‌های مسموم در بدن می‌شوند و در نتیجه مایه‌ی ضرر جسمی نیز می‌گردند، مانع جریان خون می‌شوند با سمومی که تولید می‌کنند، سلسله اعصاب را ضعیف می‌سازند و لطمه‌ی جبران ناپذیری به نشاط جسم و روح می‌زنند، امید را از میان می‌برند، نابودی ایمان، رد شدن عمل، شرک و کفر، محرومیت از حکمت، محرومیت از رحمت الهی، کاهش لذت، از دست دادن دوستان، نابودی محبت، مضاعف شدن گناهان، چشم زخم و از نظر روانکاو حسادت مبالغه آمیز حتماً یکی از آزارهای روحی عمیق و شدید است که موجب رنج فراوان، اشتباهات زیاد و بی‌انصافی‌های زیادی گردد و البته می‌دانید که مقدار زیادی از اعمال و کردار حسود به میل و اراده‌ی خودش نیست و به فرمان متاع عفریت حسادت است.»

حسادت یکی از عوامل روانی جرم‌زایی است، عامل جرم‌زا، هر وضع جسمانی و روانی یا اجتماعی را گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقش مؤثر داشته باشد اما باید دانست این تأثیر مطلق نیست و در تمام موارد نمی‌تواند قاطعیت داشته باشد. هر چند که عامل پدیده‌ای است که در آفرینش، رشد، شکل‌گیری و بالأخره در پیدایش جرم نقش مؤثری را ایفا می‌کند اما هیچ‌گاه به وجود آورنده‌ی جرم نیست، بلکه در واقع پرورش دهنده‌ی آن می‌باشد.

نقش عوامل از نظر تأثیر بخشی و اهمیت بستگی به افراد دارد؛ زیرا عاملی که به روی فردی اثرات بسیار عمیق دارد و او را در مسیر بزه‌کاری قرار می‌دهد ممکن است نسبت به دیگری فاقد آن قدرت و اثر باشد؛ مثلاً ممکن است یک شخص در برابر ناراحتی‌های عاطفی کنترل خود را از دست بدهد و منقلب و آشفته شود و دیگری در این گونه موارد بی تفاوت باشد همین طور است در سایر عوامل مربوط به خصوصیات و روحیات و عواطف که در افراد مختلف اثرات تحریک‌پذیری متفاوت دارد؛ زیرا هر دسته از عوامل جرم‌زا، جرم خاصی را به وجود می‌آورد.

باید توجه داشت که سایر مفاهیم تبیینی (علت، شرط و انگیزه) و عامل تأثیرشان به نحو استقلال نیست بلکه به نحو انضمام است؛ یعنی همه‌ی آن‌ها به انضمام علت واحد هستند که وجود معلول را ایجاد می‌کنند به علت همین پیچیدگی است که شناخت پدیده‌ها مستلزم مساعی گروهی از کارشناسان ورزیده در علوم انسان‌شناسی جنایی روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، روان‌پزشکی و آمار می‌باشد و هر یک از این علوم باید با دید خاص انتزاعی به بررسی عوامل جرم‌زا و تکوین شخصیت بزه‌کار بپردازند. نتیجتاً می‌توان گفت با این که جرم‌شناسی در تلاش و کوشش است برای شناخت عوامل و علل و جرم‌زا و انگیزه‌های گوناگون ارتکاب آن، ولی اصلاح و درمان تبهکاران و پیش‌گیری از وقوع جرایم هدف غایی آن است.

طبق ماده‌ی (۱) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی (مصوب ۱۳۳۹): «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره‌ی مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.

مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی آنان را در مضامین ارتكاب جرم در آینده قرار دهد اعم از این که قانوناً مسؤول باشند یا غیر مسؤول صدور حکم تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد.» پس حالت خطرناک حالتی است که بر اثر عوامل جرم زا اعم از فردی یا اجتماعی و میزان تأثیر آن در فرد معین او را به طرف بزه کاری سوق می‌دهد و تشخیص آن به وسیله‌ی تحقیق و پژوهش و آزمایش اجتماعی، پزشکی، روان‌پزشکی و آزمایشات دیگر جهت کشف آثار و علائم بروز حالت خطرناک و بررسی آن می‌باشد. پس، از یک سو در گرو تشخیص آمادگی فرد برای ارتكاب جنایت یا تکرار آن است و سنجش ظرفیت جنایی بزه‌کار و مؤلفه‌های شناخت شخصیت او مثل پرخاشگری، تهاجم و ... و از طرف دیگر بررسی قابلیت سازگاری فرد مظنون یا تبه‌کار با جامعه .

طبق ماده (۱) فوق‌الذکر عوامل پنج‌گانه عبارتند از: ۱- سوابق مجرم ۲- خصوصیات روحی ۳- خصوصیات اخلاقی ۴- کیفیت ارتكاب جرم ۵- جرم مورد ارتكاب که حسودان در قسمت خصوصیات اخلاقی جای می‌گیرند؛ به عبارتی سومین عامل شناخت حالت خطرناک در مجرم خصوصیات اخلاقی (از جمله حسادت) او است؛ و این تشخیص تنها از طریق علم روان‌پزشکی کیفی میسر است.

روان‌پزشکی کیفی از طرز عمل دفاع به طور غیر عادی و بیماری مغزی و نحوه‌ی تأثیر آن در وقوع جرم بحث و گفت‌گو می‌کند. روان‌پزشک کیفی در واقع همان روان‌پزشک عادی است که در دادرسی‌های کیفی و مدنی از نظریات آن‌ها به عنوان کارشناس استفاده می‌شود.

روان‌پزشکان اعتقاد دارند که خصوصیات اخلاقی (حسد، شجاعت، طمع) گاهی به جایی می‌رسد که باعث ناهماهنگی میان فرد و اجتماع می‌شود و ممکن است در لحظه‌ی ارتكاب جرم بی‌پروایانه عمل کند. نمونه‌ی بارز تأثیر ویژگی‌های اخلاقی فرد در بروز حالت خطرناک، خست بیش از اندازه می‌باشد. اشخاص خسیس بدون این که مبتلا به بیماری روانی دیگر باشند- به مرحله‌ای می‌رسند که به خاطر مقدار ناچیزی مال یک انسان را به قتل می‌رسانند و یا جرایم دیگری را نسبت به اشخاص مرتکب می‌شوند.

برای پیش‌گیری از حسد ما نباید بگذاریم آرزوهای پلید و تمایلات پست. که زندگی را بر انسان تلخ و ناگوار می‌سازند- جلوی تکامل و تعالی روحمان سدی ایجادکنند، بلکه باید افکار خود را متوجه‌ی اهداف عالی نموده و صفات و مزایای بر جسته‌ی انسانی را پیوسته آرزو کنیم؛ زیرا داشتن آرزوهای دل‌پذیر و شایسته و تلاش در تغییر جهت افکار، نتیجه بخش خواهد بود و عاقبت روزی انسان به هدف‌ها و آمال نیک و پسندیده خود خواهد رسید. دکتر «ماردن» می‌گوید: «اگر مغزتان به روی اوصافی که آرزوی داشتن آن‌ها را می‌کند، تکیه کند، بالأخره به همین اوصاف نایل می‌شود. وجود طبیعی زاینده‌ی یک فکر

طبیعی است اگر در آرزوی تنبلی و عیاشی باشید بالأخره تنبل و عیاش بار خواهید آمد و اگر آرزوی داشتن خصایص اخلاقی خود را می‌کنید با عناد و ثبات آن را بخواهید. در سایه‌ی این ثبات ذهنتان را آماده‌ی پذیرایی مشخصات اخلاقی خوبی خواهید کرد و خصایصی را که می‌خواهید، بدست خواهید آورد. از تکرار آرزوها و هدف‌هایتان باکی نداشته باشید، خواسته‌های خود را روی پیشانی‌تان حک کنید، به همه کس اعلام کنید که می‌خواهید به این آرزوها برسید، پس از مدت کمی خواهید دید که چگونه مغزتان مانند مغناطیسی شما را به سوی آن هدف می‌کشاند، فهم حقایق کمک مؤثری در طرز فکر و خواسته‌های انسان دارد، پرده‌ی هوس است که همیشه جلوی دیدگان فکر را گرفته در قوه‌ی ادراک تاریکی و اختلال به وجود می‌آورد.»

سزاوار است ابتدا آیین‌های فکر و عقل را با تقوا صیقل داد تا بتوان واقعیات را در آن مشاهده کرد، سپس با اراده‌ی قوی و مجاهدت پیگیر باید نقش بدخواهی و هوس‌های زهرآلود را از لوح دل زدود و به جای آن حس خیرخواهی را- که از لوازم و صفات انسانی است- جایگزین کرد. هم‌چنین قرائت اذکار و توکل بر خدا، استتار نعمت، احسان، خود ننگه داری و خویشتن داری، توجه به عواقب و سرانجام حسد در پیش- گیری از آن نقش مهمی خواهد داشت.

حسودان افرادی هستند که برخلاف اعتقاد برخی از حقوق‌دانان کیفر هیچ گونه تأثیری در آنان ندارد، برای دفاع اجتماعی آنان را باید درمان کرد تا راه انسانی را در پیش گیرند و به جز این به چاره‌ای دیگر نمی‌توان اندیشید باید کوشید تا این نگون‌بختان را درک و با حوصله و شکیبایی تام به آنان کمک کرد تا به شرکت در یک کار منظم و زندگی در یک محیط لطف آمیز ولی جدی عادت نمایند وظیفه‌ی ما این است که آن‌ها را به رفتاری نیکو برانگیزیم و رغبت به نیکوکاری را در آنان به وجود آوریم، با درمان و ایجاد رفاه و آسایش، موجد تجلی رضایت خاطر و وقار و مناعت طبع آنان گردیم. هم‌چنین می‌توان از طریق جرم‌شناسی بالینی یا درمانگاهی- که شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است- این افراد را از نقطه نظر پزشکی و روانی مورد مطالعه قرار داد و مطالعات این رشته از جرم‌شناسی را برای شناخت علت جرم و تحقیقات اجتماعی برای تشخیص تأثیر عوامل نفوذبخش و درمان‌ها و معالجات لازم برای مرحله‌ی دادرسی و ارائه‌ی اطلاعات و نتایج حاصله به قاضی به منظور اتخاذ تصمیم مقتضی قرار داد.